

## درس ۱۰ اشکانیان و ساسانیان

## اوضاع ایران پس از سقوط هخامنشیان

۱. مردم ایران نسبت به این کشورگشای بی رحم و سربازان مقدونی و یونانی او، به چشم بیگانه نگاه می کردند و از سلطه بیگانگان بر سرزمینشان ناخرسند بودند. از این رو، مقاومت هایی به شکل نافرمانی و شورش در مناطق مختلف کشور در برابر اسکندر و لشکریان او صورت گرفت.
۲. اسکندر مقدونی در ۳۲۳ ق.م. در بابل درگذشت.

## سلوکیان

۳. چند سال پس از مرگ اسکندر، یکی از سرداران او به نام سلوکوس بر بین النهرین، بخش هایی از آسیای صغیر، سوریه و فلات ایران حاکم شد و سلسله پادشاهی سلوکیان را تشکیل داد.
۴. سلوکوس خود را نیکاتور، یعنی فاتح می خواند.
۵. سلوکوس ابتدا شهری را که به نام او سلوکیه نامیده شد و در ساحل غربی رود دجله قرار داشت، به عنوان پایتخت برگزید، اما چند سال بعد، پایتخت خود را به شهر انطاکیه در شمال سوریه منتقل کرد.
۶. سلوکیان قصد داشتند با ایجاد شهرهای جدید و کوچاندن یونانیان به این شهرها، فرهنگ یونانی را در ایران و دیگر متصرفات اسکندر در آسیا، رواج دهند.
۷. سلوکیان از اوایل تشکیل حکومت خود، با جانشینان اسکندر در مصر، وارد رقابت و درگیری شدند. از این رو، عمده توجه شاهان سلوکی به مناطق غربی قلمرو خودشان بود و بر متصرفات شرقی خویش نظارت و سلطه کامل نداشتند. این مسئله سبب شد که به تدریج افراد یا خاندان هایی در نواحی شمال شرقی فلات ایران قدرت را به دست گیرند و به فکر استقلال از حکومت سلوکیان بیفتند.

## اشکانیان

۸. بنیان گذار این سلسله، ارتشک، از قبیله پرنی یا آپرنی در شرق ایران بود که بر فرمانروای سلوکی در ناحیه ای در حوالی قوچان امروزی شورید و پارت و گرگان را از دست سلوکیان خارج کرد (۲۳۸ ق.م.).
۹. اشکانیان با استفاده از جنگاوران قبایل شرق ایران که در سوارکاری و تیراندازی با کمان، مهارت فراوان داشتند، سپاه ورزیده های را تشکیل دادند.
۱۰. اشکانیان در طول حدود ۴۷۰ سال حکومت، چندین بار پایتخت خود را تغییر دادند. پایتخت های این سلسله به ترتیب عبارت اند از: شهر نسا در ترکمنستان امروزی، شهر صدروزه که یونانیان به آن هکاتم پلیس می گفتند در حوالی دامغان کنونی و شهر تیسفون در نزدیکی بغداد امروزی.
۱۱. مهرداد یکم با تسلط بر مناطق وسیعی در سرتاسر ایران، قدرت و قلمرو حکومت اشکانی را به طور چشمگیری افزایش داد.
۱۲. در دوران فرمانروایی مهرداد یکم، سلسله اشکانیان از یک حکومت محلی در شرق فلات ایران به یک پادشاهی قدرتمند تبدیل شد.
۱۳. با فتوحاتی که مهرداد دوم انجام داد، وسعت قلمرو اشکانیان به نهایت خود رسید و پایه های قدرت و سلطنت آنان استوار گردید.
۱۴. در روزگار مهرداد دوم، سفیرانی از سوی چین به ایران آمدند.
۱۵. در دوران مهرداد دوم اشکانیان تا رود فرات پیش رفتند و با امپراتوری روم همسایه شدند.
۱۶. از مهم ترین جنگ های اشکانیان و روم در زمان پادشاهی ارد دوم اتفاق افتاد.
۱۷. کراسوس، سردار مشهور روم با سپاهی بزرگ و مجهز به منطقه بین النهرین هجوم آورد، اما در جایی به نام حران، از سپاه ایران به سختی شکست خورد و سردار مغرور روم کشته شد.

۱۸. فرماندهی سپاه ایران را در جنگ حرّان، سردار بی باک و شجاع ایرانی، سورنا بر عهده داشت که با اجرای فنون گوناگون جنگی به پیروزی بزرگی دست یافت.
۱۹. نظام حکومتی اشکانیان مجموعه‌ای از حکومت‌های نیمه مستقل بود که به حکومت مرکزی اشکانی، مالیات و نیروی نظامی می‌دادند. این نوع حکومت را ملوک طوایفی خوانده‌اند.
۲۰. حکومت اشکانی بر اثر جنگ‌های پیاپی با امپراتوری روم در مرزهای غربی و نیز درگیری‌های نظامی در مرزهای شرقی، در اوایل قرن سوم میلادی به سستی گرایید.
۲۱. آخرین پادشاه اشکانیان، اردوان چهارم بود.
۲۲. اردوان در جنگ با اردشیر بابکان ساسانی شکست خورد و کشته شد و سلسله اشکانیان از هم پاشید.
۲۳. اشکانیان با آسان‌گیری و مدارا جویی فرهنگی و دینی، اقوام و فرقه‌های دینی گوناگون و حتی یونانی‌تباران ایران را که در سراسر قلمرو آنها پراکنده بودند، در کنار یکدیگر حفظ کردند.

### ساسانیان

۱. ساسانیان، نام خود را از ساسان، نیای اردشیر بابکان، سر دودمان آن سلسله گرفته‌اند.
۲. ساسان، موبد نیایشگاه زرتشتی آناهیتا در شهر استخر، واقع در منطقه پارس بود.
۳. اولین فرمانروای ساسانی اردشیر بابکان بود.
۴. ساسانیان مصلح بودند، به جای حکومت ملوک طوایفی اشکانی، حکومتی متمرکز و قدرتمند ایجاد کنند که دستورات و قوانین آن در سرتاسر ایران اطاعت شود.
۵. حکومت ساسانی همواره در خارج از مرزهایش با مسائل و مشکلات مختلفی رو به رو بود. یکی از این مشکلات، امپراتوری روم شرقی به شمار می‌رفت که پی در پی به سرزمین‌های ایرانی، حمله می‌کرد. از سوی دیگر، یورش‌های مکرر قبایل بیابان گرد به مرزهای ایران، ساسانیان را به زحمت می‌انداخت.
۶. حکومت ساسانیان با اقدامات مهم پادشاهانی مانند شاپور یکم و شاپور دوم که موفقیت‌های سیاسی و نظامی بزرگی در داخل و خارج کسب کردند، گسترش یافت و تثبیت شد.
۷. در زمان پادشاهی قباد یکم (۵۳۱ - ۴۸۷ م.)، حکومت ساسانی با جنبشی اجتماعی و اقتصادی به رهبری مزدک مواجه شد.
۸. مزدک طرفدار برابری مردم در بهره‌مندی از منافع اقتصادی و اجتماعی بود.
۹. قباد که در آغاز زمامداری خود قصد داشت از قدرت اشرف، نجبا و موبدان بکاهد و دست آنان را از امور کشوری کوتاه کند، به حمایت از مزدک برخاست، اما اشرف و نجبا، او را از پادشاهی برکنار و زندانی کردند.
۱۰. خسرو انوشیروان برای سامان بخشیدن به اوضاع کشور، اصلاحاتی را در زمینه اداری، نظامی و اقتصادی انجام داد.
۱۱. در زمان هرمز چهارم، اختلاف و نزاع سیاسی در دربار ساسانیان اوج گرفت و یکی از سرداران مشهور به نام بهرام چوبین، با پشتیبانی بزرگان علیه پادشاه سر به شورش برداشت و او را از قدرت برکنار نمود و خود به جای او به پادشاهی نشست.
۱۲. خسرو پرویز، پسر هرمز به بیزانس (امپراتوری روم شرقی) گریخت و با حمایت امپراتوری روم، به تاج و تخت رسید.
۱۳. در دوره‌ی ساسانیان دو کشور ایران و روم بر سر تسلط بر برخی سرزمین‌های سرحدی به ویژه منطقه ارمنستان، با یکدیگر اختلاف و درگیری داشتند.
۱۴. از اهداف اصلی رومیان در لشکرکشی پی در پی به ایران در زمان ساسانیان، تسلط بر مسیرهای تجاری بود که به هند و چین می‌رسید.
۱۵. دو مورد از جنگ‌ها ایران و روم در زمان شاپور یکم اتفاق افتاد که در یکی از آنها، گردیانوس امپراتور روم کشته شد و در دیگری والرینوس، امپراتور روم به اسارت درآمد.
۱۶. در زمان خسرو پرویز نیز نبردهای بزرگی میان دو کشور ایران و روم رخ داد که در آغاز ساسانیان پیروز شدند، اما در پایان، به سختی شکست خوردند.

۱۷. قبایل صحراگرد آسیای مرکزی، مکرر به مرزهای شمال شرقی ایران در منطقه خراسان هجوم می آوردند و به تخریب و غارت می پرداختند.
۱۸. قبایل بیابان گرد عرب نیز دائماً به شهرها و آبادی های ایران در حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان دستبرد می زدند.
۱۹. شاپور دوم ساسانی در جریان یک عملیات نظامی، اعراب متجاوز را به سختی گوش مالی داد.
۲۰. حکومت ساسانی برای جلوگیری از غارتگری اعراب، حکومتی دست نشانده به ریاست اعراب لخمی (لخمیان) در جنوب غربی ایران به مرکزیت شهر حیره تأسیس کرد.
۲۱. اقدام خسرو پرویز در برانداختن حکومت لخمیان را اشتباه بزرگی می شمارند که باعث شد مرزهای جنوب غربی ایران در برابر هجوم اعراب بی دفاع بماند.
۲۲. در اوایل فرمانروایی یزدگرد سوم، اعراب مسلمان به ایران حمله کردند و در چند جنگ بزرگ مانند قادسیه، جلولای و نهاوند، سپاه ساسانی را مغلوب کردند.
۲۳. یزدگرد که به خراسان گریخته بود، سرانجام در اطراف شهر مرو کشته شد ( ۶۵۱ م. / ۳۱ ق.). با مرگ او، سلسله ساسانیان به پایان آمد و ایران وارد دوران اسلامی تاریخ خود شد.
۲۴. برخی از عوامل مؤثر در سقوط ساسانیان عبارت اند از:
- ۱ - ضعف قدرت سیاسی پادشاهان ساسانی به دلیل اختلاف و درگیری پیاپی با اشراف و بزرگان؛
  - ۲ - شورش مکرر فرماندهان نظامی و دخالت آنان در کشمکش های سیاسی؛
  - ۳ - نارضایتی توده مردم از حکومت ساسانی به سبب وجود تبعیض ها و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی و عدم مقاومت جدی آنان در برابر اعراب؛
  - ۴ - کاهش توان اقتصادی حکومت ساسانی به سبب طغیان رودخانه های دجله و فرات، شکسته شدن سدها و به زیر آب رفتن زمین های حاصلخیز آسورستان (بین النهرین)
  - ۵ - پیام جذاب دین اسلام که جهانیان را به پرستش خدای یگانه و برابری و برادری فرا می خواند.
  - ۶ - انگیزه و روحیه قوی اعراب مسلمان.